

متن پرسش

با سلام استاد عزیز! همان گونه که خود می دانید داشتن یک زندگی که بستری برای سلوک جامع انسان باشد، یکی از مشکل ترین و دست نیافتنی ترین چیزها در دوران کنونی است. واقعا می توان گفت که سلوک جامع و حتی یک سلوک نسبتا قابل قبول در متن زندگی های اکنون زده و روزمرگی امری قریب به محال است. از طرفی امروزه بعضا با جوانان مومن و پاکی روبرو هستیم که متحیرانه شاهد آن هستند که گویا چاره ای و مفری جز ورود در روزمرگی ندارند. البته ورود در این روزمرگی چندان پیچیده و مشکل نیست. کافی است که در یک کارخاته یا اداره استخدام شوی تا به مرور به یک موجود بی خاصیت و بی خبر از همه جا و محصور در خور و خواب و در بهترین حالت یک مسلمان فردی خوب و بی آزار تبدیل شوی. این حرفها توصیفات انتزاعی نیست بلکه با کمی دقت در زندگی اطرافیان آنها را خواهیم دید- و البته ظاهرا راه دیگری هم نیست، چون که زندگی خرج دارد و... استاد به نظر شما باید چه کرد؟ البته نکته مهم این است که زندگی دینی به صرف روزی دو ساعت کتاب معرفتی خواندن حاصل نمی شود. بلکه اصل قضیه، بستر و فضایی است که زندگی در آن جریان دارد. از طرفی هم می بینیم که حوزه های علمیه هم علیرغم ظاهر مناسبش بستر چندان مناسبی برای زندگی دینی- که یکی از شاخصه هایش تکلیف محوری است- نمی باشد و موقعی که به آن نزدیک می شویم، با نوع دیگری از روزمرگی مواجه می شویم. حال به نظر شما چه باید کرد؟ با توجه به اینکه بخش زیادی از دانشجویانی که با مباحث معرفتی آشنایی دارند و در شرف فارغ التحصیلی هستند دچار این حیرت و سردرگمی هستند. چه راه و مسیر و شغلی را و چگونه انتخاب نماییم تا هدر نرویم؟ چه کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: بنده نیز متوجه این امر هستم و به نظر خودم راهکار آن را نگاهی می دانم که در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان الله تعالی علیه» به رفقا پیشنهاد کرده ام. در سلوک ذیل شخصیت اشراقی حضرت امام از زندگی هایی که برای بقیه روزمرگی همراه می آورد فرار نمی کنیم ولی وارد عالمی می شویم که در هر جا که باشیم با آن عالم به سر می بریم. موفق باشید